

تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری

دکتر محمدرضا الهی منش*

محسن مرادی اوجقاز**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۵

چکیده

لزوم رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری به عنوان یک اصل و قاعده‌ی بنیادین و اجتناب-ناپذیر شناخته می‌شود؛ به همین سبب تمامی افرادی که درگیر فرآیند دادرسی کیفری هستند انتظار دارند علاوه بر دادرسی منصفانه و عادلانه، در مقایسه با سایر شهروندان از حقوق مشابه و یکسانی برخوردار و حقوق آنها به نحو شایسته تضمین شود و هرگونه اقدام ناقض حقوق شهروندی، حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع، مجاز شمرده نشود. در این راستا قانون‌گذار علاوه بر قانون اساسی، در قوانین عادی نیز بر لزوم رعایت حقوق شهروندی تأکید و برای نقض آن ضمانت اجرا معین نموده است. در این میان نقش قوانین شکلی در نمود و تجلی حقوق شهروندی و رعایت حقوق اجتماعی و فردی اشخاص، حفظ نظم اجتماعی و همچنین تعارض و تقابل آن با حقوق مذکور از اهمیت بسیاری برخوردار است. قانون آیین دادرسی کیفری ما هم با تأسی از آموزه‌های اسلام و با تأکید بر ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز همسو با مجامع بین‌المللی و اسناد مرتبط با آنها، وضع شده است؛ از این رو می‌توان به جرأت اذعان نمود که این قانون از جنبه‌ی رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری در زمره‌ی قوانین پیشرفته می‌باشد. این نوشتار با بررسی قوانین عادی و اساسی در حقوق ایران ضمن اشاره به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به روش کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری می‌پردازد.

کلید واژگان: حقوق شهروندی، فرآیند دادرسی، متهم، بزه دیده.

* دادیار دادرسی دیوان عالی کشور و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسؤول).

M.ElahiManesh@yahoo.com

Mohsen_Moradi@gmail.com

** قاضی دادگستری شهرستان سلماس.

مقدمه

از میان شاخه‌های علوم جنایی، آیین دادرسی کیفری به دلیل ارتباط تنگاتنگ با حقوق و آزادی‌های اشخاص و اعاده‌ی نظم لطمه‌دیده از طریق ارتکاب بزه توسط مرتکب، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین سبب برای اینکه میزان رعایت حقوق اشخاص و آزادی افراد از سوی قوای حاکم در جامعه‌ای را بررسی کنند به قوانین شکلی یا همان آیین دادرسی آن جامعه توجه می‌شود. مبرهن است که در تمامی ادیان الهی به حفظ کرامت ذاتی، شرافت، حیثیت و ارزش والای انسان و رفع تبعیض توجه و تأکید شده است. در خصوص رعایت حقوق شهروندی در آموزه‌های اسلام، دین مبین اسلام نظر به کرامت و شخصیت والای انسان، رعایت آن را از سوی هم‌نوعان و حاکمان جزء مهم‌ترین وظایف دانسته است. در عصر حاضر، جوامع متمدن برای تحقق عدالت کیفری در تلاش‌اند تا حد امکان حقوق شهروندان را فارغ از جنسیت، قومیت، نژاد و غیره با وضع قوانینی که در تقابل با حقوق آنها نمی‌باشد، رعایت کنند. در حقوق ایران قبل از تصویب «ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» علاوه بر قانون اساسی، در لابه‌لای قوانینی که به تصویب می‌رسید به ذکر حقوق مزبور پرداخته شده بود و این امر در قوانین اخیر التصویب از جمله در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری با صراحت و شفافیت بیشتری بیان شده است؛ چراکه انسان‌ها صرف‌نظر از رنگ پوست، زبان و جنس، همه در برابر قوانین و مقررات یکسان هستند و لزوم رعایت حقوق فردی و اجتماعی شهروندان به عنوان یک حق مسلم و انکارناپذیر شناخته می‌شود. بعد از تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مقنن درصدد بیان حقوق مزبور در قوانینی که بعد از ماده واحده به تصویب مجلس می‌رسند، بوده است. به همین سبب لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی در مورخه ۱۳۸۴ تقدیم مجلس گردید؛ هرچند لایحه‌ی مزبور تاکنون به تصویب نرسیده است. منشور حقوق شهروندی نیز که از سوی معاونت حقوقی ریاست جمهوری تدوین شده است در حال بررسی می‌باشد. آنچه بایستی اذعان شود این است که با التفات به تعامل و ارتباط مستقیم و مستمر مراجع انتظامی و قضایی با شهروندان، گاه ممکن است حقوق شهروندان نقض گردد و این امر تبعات منفی گسترده‌ای را در پی داشته باشد. به همین علت مقنن بیشتر در فرآیند دادرسی

به رعایت حقوق شهروندی توجه داشته است و هرگونه تعدی یا تعرض به آن را با ضمانت اجرای مدنی و کیفری منع نموده است. در این پژوهش پس از بیان مفهوم حقوق شهروندی و جایگاه آن در اسلام و نیز قانون اساسی، به بحث و بیان تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری می‌پردازیم.

۱- مفهوم شناسی و تاریخچه‌ی پیدایش حقوق شهروندی

شهروند، مرکب از دو کلمه‌ی «شهر» به معنای جامعه‌ی انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به آن جامعه است.^۱ نخستین معنایی که از کلمه‌ی شهروند به ذهن متبادر می‌شود این است که شهروند کسی است که در شهر زندگی می‌کند؛ اما شهروند معنایی فراتر از این دارد. در یک تعریف ساده و ابتدایی، شهروند به تک تک افرادی که در یک جامعه یا کشور زندگی می‌کنند اطلاق می‌شود^۲ و شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره‌ی امور عمومی در محدوده‌ی شهر داراست.^۳ بدین ترتیب در تعریف حقوق شهروندی می‌توان گفت: حقوق شهروندی مجموعه‌ی حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی نظیر حق حیات، حق آسایش، حق دادخواهی و امثال آن و تکالیفی نظیر پرداخت مالیات، خدمت نظام وظیفه، رعایت قوانین و غیره است که یک شخص به علت زندگی در یک جامعه یا قلمروی جغرافیایی خاص از آن بهره‌مند می‌باشد. بنابراین حقوق شهروندی علاوه بر اینکه یک نوع حق به حساب می‌آید تکلیف نیز قلمداد می‌شود که اصولاً و قاعدتاً در قالب قانون اساسی به شهروندان اختصاص داده می‌شود. درخصوص زمان پیدایش مفهوم شهروندی بایستی اذعان نمود که آن را به یونان باستان نسبت داده و گفته‌اند که اولین کسی که به مفهوم شهروند پرداخته و آن را به عنوان یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب دانسته افلاطون است. برخی^۴ به استناد منشور صادره از سوی کوروش پادشاه هخامنشی که بسیاری از مبانی و مبادی

۱- میلر، دیوید؛ حقوق بشر و شهروند مقید به مرز، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۲۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۲۶.

۲- یوسفوند، محمود؛ حقوق شهروند متعهد در دولت اسلامی، مجله‌ی پیام آموزش، شماره‌ی ۲۶، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰.

۳- پلیو، دوبر؛ شهروندی و دولت، ترجمه: ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۱.

۴- جنیدی، فریدون؛ حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان اسلام، انتشارات نشر، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

اولیهی حقوق بشر شهروندان را بنیان نهاد، ایران باستان را پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند؛ که از جمله می‌توان به منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران، منع نسل‌کشی (در حمله به بابل) و تساوی افراد در برابر قانون که در اسناد به دست آمده قابل مشاهده است اشاره کرد. حتی برخی برآنند که این منشور همان نوشته‌ای است که امروزه آن را اعلامیه‌ی حقوق بشر می‌خوانند؛ لیکن حقوق شهروندی در معنای امروزی و نوین، پس از پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به تدریج با تصویب اعلامیه و اسناد بین‌المللی در حوزه‌ی جهانی و در حمایت از برخی گروه‌ها و اقلیت‌ها مطرح شد.

۲- حقوق شهروندی در قانون اساسی

نیک می‌دانیم که قوانین ما منبعث از آموزه‌های اسلام و بر مبنای آن وضع شده‌اند و حقوقی که در قانون اساسی ما ذکر و اشاره شده‌اند برگرفته از حقوق اسلام می‌باشند. در شریعت مبین اسلام با امعان نظر به کرامت و شخصیت والای انسانی، رعایت حقوق مشروع و عدم تعرض از سوی دیگران رادر قرآن کریم و کتب روایی مورد تأکید قرار داده است. در این خصوص در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء آمده است: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات قرار داد و به فرشته‌ها امر کرد تا بر او سجده کنند و آنها را خادم او قرار داد. در عظمت مقام انسان همین بس که خداوند از روح خود در او دمیده و حقیقت او را همان روح الهی قرار داده است و او را خلیفه‌ی خود در زمین و مظهر تمامی اسماء و صفات خود قرار داده است. همین به انسان وجود نامحدودی عطا کرده که می‌تواند تمامی اسماء و صفات خداوند را که نامحدود است در خود جلوه‌گر کند. قانون اساسی هر کشوری به بیان مجموعه‌ی اصول و قواعدی می‌پردازد که خطامشی‌ها و حقوق افراد نظیر حقوق مدنی، اجتماعی، آزادی‌ها و همچنین قوای حاکم و رهبری، نظام و سازمان حکومت و تکالیف را معین می‌نماید. در قانون اساسی ایران که به

عنوان یکی از بهترین و پیشرفته‌ترین قوانین اساسی جهان به شمار می‌رود به بیان اساسی‌ترین و ضروری‌ترین حقوق ملت که وجوه متمایز آن بیان حقوق شهروندی در اصول مختلف می‌باشد می‌پردازد که عبارت‌اند از:

۱-۲- حق حیات، حیثیت و تساوی در برابر قانون

در مکتب اسلام انسان از جایگاه بسیار والایی برخوردار و به تبع آن، حیات وی دارای ارزش بسیار گران‌بهایی است و هیچ‌کس حق ندارد حق حیات را از خود سلب نماید یا موجب تعرض به حق حیات دیگری شود. تمامیت جسمانی انسان در حقوق کیفری اسلام در مقابل تعرضات نابه‌جا و بدون دلیل قانونی و شرعی از حمایت برخوردار و هرگونه تخطی از آن، کشتن یک انسان را به‌سان کشتن تمامی انسان‌ها دانسته است.^۱ بدین ترتیب در حقوق اسلامی، هر شهروندی از حق حیات برخوردار است و هیچ‌کس حق ندارد خودسرانه دیگری را از آن محروم سازد.

اصل ۲۲ قانون اساسی در حمایت از حق حیات اشخاص اشعار می‌دارد: «حیثیت، جان، ... اشخاص مصون از تعرض می‌باشد^۲ و هرگونه تعرض به این حقوق با ضمانت اجرای کیفری و مدنی روبه‌رو خواهد شد مگر به اذن و اجازه‌ی قانون.

بر حسب اصل ۱۹ قانون اساسی، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و مضافاً اصل ۲۰ قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد را به طور یکسان در حمایت قانونی قرار داده است.^۳ بر طبق آیات قرآنی، همه‌ی انسان‌ها از یک نفس و یک ماده آفریده شده‌اند و همه در برابر یکدیگر، حتی پیامبران در برابر قوانین الهی یکسان هستند و

۱- الهی‌منش، محمدرضا و مرادی اوججاز، محسن؛ حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص ۲۴.

۲- این اصل در ماده‌ی ۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (هرکس حق زندگی ... دارد) و در بند ۱ ماده‌ی ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق زندگی در زمره‌ی حقوق ذاتی اشخاص انسان دانسته شده است و مضافاً در بند ۱ ماده‌ی ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ذکر گردیده است.

۳- در این زمینه همچنین ن. ک به مواد ۷ و ۲ و ۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۸۵ لایحه‌ی منشور حقوق شهروندی ایران.

همگی از هر جنس و قوم و زبان و امثال آن، برابرند.^۱

۲-۲- حق اشتغال، حق مسکن، آزادی عقیده و حق امنیت و مالکیت

سلب ناحق آزادی، اشتغال، مالکیت و امنیت مردم مجاز نیست؛ چراکه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و هر نوع اقدام معارض با حقوق اشخاص، جز در موارد مصرحه‌ی قانونی، مذموم و نکوهیده است.^۲ در اصول مختلف قانون اساسی به بیان حقوق مذکور پرداخته شده است و ضمن محترم شناخته شدن آن برای آنها ضمانت اجرا پیش بینی نموده است.^۳ بدون تردید وجود اصول مزبور در قانون اساسی بدون تعیین ضمانت اجرای مدنی و کیفری کافی به مقصود نیست و لذا در قوانین و آیین‌نامه‌هایی که به تصویب می‌رسد تلاش می‌گردد تا حد امکان به بیان حقوق شهروندی پرداخته شود.^۴ این موضوع با توسعه‌ی ارتباطات و تصویب اسناد بین‌المللی، شتاب بیشتری یافت به نحوی که در سال ۱۳۸۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

آنچه بیشتر مخاطب قانون قرار گرفته و برآن تأکید شده است رعایت آن از سوی دو نهاد انتظامی و قضایی می‌باشد. لازم به ذکر است در قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲/۲/۱) در قیاس با قانون سابق (مصوب ۱۳۷۰)، صراحتاً موادی را به حقوق شهروندی اختصاص داده است؛ از جمله می‌توان به مواردی چون قانونی بودن جرائم،

۱- ن.ک: نساء/۱، سجده/۹، یوسف/۷۵، مائده/۴۴ و ۴۵، بقره/۸ و ۸۶، فرقان/۵۴، زخرف/۱۵ و ۱۷، مائده/۵۵، نمل/۵۵، روم/۲۲، صافات/۱۵۵.

۲- ن.ک: اعراف/۱۵۷، آل عمران/۶۴، توبه/۳۱، آل عمران/۷۱، لقمان/۶، بقره/۲۵۶، یونس/۹۹، رعد/۴، یس/۱۷، شوری/۱۵. شایان ذکر است که از ائمه‌ی معصومین روایات فراوانی در این خصوص نقل شده است و در رساله‌ی حقوق امام جعفر صادق (ع) و نهج البلاغه (خداوند بی‌همتا حقوق بندگان را بر حقوق خودش مقدم دانسته است پس هرکس حقوق بندگان را رعایت کند این امر به ادای حقوق خداوند منجر خواهد شد. خطبه/۲۱۶ و ن.ک: خطبه/۳۹۹، خطبه/۹۶۹، خطبه/۳۴، نامه‌ی ۵۳ ...). به ذکر انواع حقوق شهروندی پرداخته شده است که بیان آنها از حوصله‌ی بحث خارج است.

۳- ن.ک: اصول/۱۲، ۱۳، ۲۲، ۳۳ و ۳۵، قانون اساسی. شایان ذکر است که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و لایحه‌ی منشور حقوق شهروندی به بیان حقوق مزبور پرداخته شده است.

۴- به عنوان نمونه ن.ک: آئین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.

مجازات‌ها و دادرسی کیفری؛ تغییر در میزان و نوع مجازات اطفال و نوجوانان؛ پرداخت دیه به مجنی‌علیه زن و خنثا تا سقف دیه‌ی مرد از صندوق جبران خسارت‌های بدنی و نظایر آن که به هرکدام فصلی جداگانه اختصاص داده شده اشاره کرد. با عنایت به تقابل دو نهاد قضایی و انتظامی با حقوق شهروندان، به تفکیک و اختصار به بیان رعایت حقوق شهروندی از سوی این دو نهاد می‌پردازیم:

۳- رعایت حقوق شهروندی از سوی ضابطین دادگستری

نخستین تعرضی که به حقوق متهم و سایر شهروندان صورت می‌گیرد از بدو تشکیل پرونده‌های جزایی است؛ زیرا ضابطان دادگستری نخستین افرادی هستند که با صحنه‌ی جرم و شاکی و متهم روبه‌رو می‌شوند و باید شایستگی‌های لازم را در این خصوص داشته باشند. این شایستگی از طریق آموزش و تجربه به دست می‌آید.^۱ نقش مؤثر و کلیدی ضابطین دادگستری در رعایت حقوق شهروندی برای هیچ‌کسی پوشیده نیست و هرگونه بی‌اطلاعی، سهل‌انگاری یا تضییع عمدی حقوق شهروندی موجب بدبینی به نظام حاکم خواهد شد. به همین دلیل ضابطین دادگستری بایستی در این زمینه آموزش‌های لازم را دیده باشند. روشن است که نقش مأموران مجرب و آموزش‌دیده نسبت به سایر مأمورین در مبارزه علیه بزه‌کاری، حفظ امنیت و آسایش عمومی و به طریق اولی مراعات و حفظ حقوق شهروندان چشم‌گیرتر خواهد بود. این مرحله از فرآیند دادرسی به عنوان حساس‌ترین و مهم‌ترین مرحله به شمار می‌رود؛ زیرا حقوق متهم، بزه‌دیده، شاهد و مطلع در این مرحله در معرض تضییع شدن است و سرنوشت متهم نیز در این مرحله از فرآیند دادرسی تعیین می‌شود. مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری بر این نکات توجه داشته و بدین لحاظ در ماده‌ی ۳۰ قانون مرقوم، احراز عنوان ضابط دادگستری را منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی تحت نظر مرجع قضایی و تحصیل کارت ویژه‌ی ضابط دادگستری دانسته است. فلذا رعایت حقوق شهروندی از سوی ضابطین دادگستری در فرآیند دادرسی «الزامی» بوده و هرگونه تخطی از آن و تعرض به حقوق شهروندان با ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو می‌باشد. بنا بر مراتب فوق به محض تحت‌نظر

۱- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، جلد چهارم، چاپ سوم، انتشارات اشراق، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴.

قرار گرفتن متهم، ضابطین مکلف هستند حقوق مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری را تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند.^۱ از دیگر سو با توجه به حساسیت ویژه در این خصوص، ضابطین می‌بایست در چارچوب قوانین و مقررات، تمام تلاش و مساعی خویش را در راستای حفظ حقوق متهم به عمل آورند و از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت متهم، بزه‌دیده، شهود، مطلعین و سایر اشخاص مرتبط با پرونده خوداری ورزند. با توجه به اهمیت و خطیر بودن موضوع به ذکر برخی از مهم‌ترین حقوق شهروندی که می‌بایست از سوی ضابطین رعایت شود می‌پردازیم:

۱-۳- منع دستگیری

حقوق جزا با تعیین ضمانت اجرای کیفری، امنیت جامعه و آزادی‌های فردی را تضمین می‌کند؛ در واقع وجود گزاره‌ی قانونی نه تنها به نقش سرکوب‌گرانه عنایت دارد بلکه در تلاش است تا از امنیت و حقوق جامعه و آزادی‌های شهروندان حمایت کند. ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اصل قانونی بودن جرم و مجازات که دارای معنای عقلی و شرعی است رفتاری را که بر طبق قانون جرم است قابل مجازات دانسته است. حق آزادی و عدم بازداشت افراد نشأت گرفته از اصل برائت است. از اصول مسلم حقوق جزا اصل برائت است و بنابراین مزبور هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح به اثبات برسد.^۲ جایگاه این اصل تا بدان‌جاست که در قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته و در ماده‌ی ۴ این قانون آمده است: «اصل برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند». این اصل علاوه بر تأکید بر آزادی افراد، بر تعیین حقوق دفاعی متهم و امکان و فرصت دفاع از اتهام و استفاده از وکیل را فراهم می‌آورد. در این راستا ضابطین در صورت

۱- مواد ۷ و ۵۲ ق. آ. د. ک.

۲- اصول ۳۲، ۳۶، ۳۷ و ۱۶۶ ق. ا.

وقوع جرم، مکلف هستند نتیجه‌ی اقدامات فوری خود را به دادستان اطلاع دهند و در صورت تردید در وقوع جرم، حق تفتیش و بازرسی و جلب و احضار اشخاص را ندارند. در این زمینه اصل برائت بر دیگر اصول غلبه دارد و در صورت تردید و شبهه، اصل برائت حاکم است و لذا بار اقامه‌ی دلایل برعهده‌ی مدعی می‌باشد. این اصل، از قبل از رسیدگی به موضوعی و یا در حین رسیدگی قضایی (تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادسرا و دادگاه تا صدور حکم قطعی) بایستی رعایت گردد. فی الواقع این اصل تضمین‌کننده‌ی آزادی و حقوق متهم است. در خصوص منع دستگیری افراد بدون مجوز قانونی، ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هر اقدامی را که منتهی به بازداشت افراد گردد منوط به رعایت «قوانین» دانسته است. لازم به توضیح است که منع دستگیری بدون رعایت قوانین و متکی بودن آن بر اصل برائت، در اسناد بین‌المللی از جمله ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی و بند ۵ ماده‌ی ۱۹ اعلامیه‌ی حقوق بشر مورد تأکید واقع شده است.

۲-۳- رعایت حریم خصوصی

حریم خصوصی اشخاص از مصونیت برخوردار است و نظر به ارتباط تنگاتنگ حریم خصوصی، حق خلوت و آزادی اشخاص با کرامت و شخصیت آنها، مقنن برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین نموده است. حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر شخص است که از دیگران انتظار می‌رود بدون رضایت صاحب آن به آن وارد نشوند یا بدان نگاه نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو او را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیای همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند. در لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی را در چهار قسم بیان نموده است:

الف) حریم خصوصی جسمانی.

ب) حریم خصوصی اماکن و منازل.

پ) حریم خصوصی اطلاعات.

ت) حریم خصوصی ارتباطات.

دین مبین اسلام تمامی افراد را از ورود به حریم خصوصی اشخاص دیگر، پاییدن،

کنجکاوی، تفتیش، بازرسی و فضولی کردن منع نموده است. از دیگر سو، نه تنها افراد جامعه بلکه قوای حاکم نیز از مداخله در این حریم منع شده‌اند.^۱ بر طبق اصل ۲۲ قانون اساسی: «بازرسی، نرسانیدن نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرسانیدن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

نظر به اهمیت موضوع مذکور، در بند ۸ ماده واحدهی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی آمده است: «بازرسی و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم، براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارند و از افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد. همچنین در بند ۱۱ این قانون آمده است: «از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته‌ی افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده احتراز گردد. شایان ذکر است که در خصوص موضوع مطروحه، قانون‌گذار در ماده‌ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ورود به حریم خصوصی اشخاص را جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، مجاز ندانسته است و در مواد مختلف شرایطی را مقرر نموده است که اجمالاً بیان می‌گردد:

الف) در جرایم غیرمشهود، ورود به منازل و امکان تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و وسایل، با اجازه‌ی موردی مقام قضایی بوده و بایستی از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری گردد.

ب) انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه‌ی مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی ممنوع شده است مگر در موارد خاص و مطابق با قانون.

پ) تفتیش اماکن بسته و تعطیل و بازرسی اشیاء اولاً بایستی در روز به عمل آید (از طلوع

۱- منع تجسس، ممنوعیت استراق سمع، اشاعه‌ی فحشا، هتک ستر و غیره. ماده‌ی ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به حق حریم خصوصی پرداخته است.

آفتاب تا غروب آن). ثانیاً ظنّ قوی به حضور متهم یا کشف اسباب و آلات وقوع جرم در آن باشد. ثالثاً با دستور موردی مقام قضایی با ذکر موضوع و زمان، دفعات ورود و اموال و اماکن باشد. نهایتاً تفتیش و بازجویی در حضور متصرف یا ارشد حاضرین و با رعایت موازین قانونی و شرعی باشد.^۱ البته در صورتی که تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تضام باشد در صورتی مجاز خواهد بود که از حقوق آنان مهم‌تر باشد. با توجه به اهمیت حریم خصوصی اشخاص، ماده‌ی ۷۸ لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی اشعار می‌دارد: «هرگاه در نتیجه‌ی نقض حریم خصوصی، اطلاعاتی درباره‌ی یک شخص جمع‌آوری شده باشد اطلاعات مزبور در مراحل رسیدگی از عداد دلایل خارج خواهد بود. بر طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴۵ ق.آ.د.ک هرگونه خسارت مادی در جهت تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و اشیاء توسط دولت جبران می‌شود. بیان این مطلب در اینجا خالی از فایده نیست که مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای نیز شرایط تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و موارد توقیف سامانه و روش توقیف داده‌ها را معین نموده است.^۲ بنابراین حریم خصوصی و مسکن و اشیاء از هرگونه مداخله‌ی خودسرانه، تفتیش، در اختیار قراردادن بدون مجوز قانونی به دیگران، افشاء، گردآوری، پردازش، قرائت، رهگیری، رسانه‌ای کردن، معدوم کردن، استراق سمع، سانسور، بازرسی، توقیف بدون مجوز و ضبط ممنوع بوده و با ضمانت اجرای مدنی و کیفری منع شده است.

۳-۳- اعلان حقوق متهم در صورت تحت نظر قرار گرفتن

اعلان حقوق متهم به عنوان یک اصل کلی و مسلّم در فرآیند دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته است. در این خصوص ماده‌ی ۶ ق. آ.د.ک اشعار می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. مقنن فقط به ماده‌ی مزبور اکتفا نموده است و در ماده‌ی ۵۲ قانون مرقوم علاوه بر

۱- ن.ک: مواد ۵۵ و ۵۶، ۹۶، ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۲، ۱۴۴ و ۱۵۰ ق.آ.د.ک.

۲- ن.ک: مواد ۴۴ و ۳۶ به بعد ق.ج.ر.

اینکه به عنوان یک تکلیف شناخته شده است برای آن ضمانت اجرا تعیین نموده است. براساس ماده‌ی مذکور «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه‌ی پرونده کنند. ضمانت اجرای ماده‌ی مذکور براساس ماده‌ی ۶۳ قانون مرقوم محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال است.

۴-۳- تفهیم اتهام

تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یک سو امکان رد اتهام یا اتهامات منتسب را برای متهم فراهم می‌سازد و از سوی دیگر قاضی تحقیق را مجاز می‌کند که به اقدامات ضروری از جمله صدور قرارهای تأمین متوسل شود. بدین ترتیب می‌توان گفت: تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که برای او قابل درک باشد.^۱ بنابراین تفهیم اتهام، اعلان بزه و عنوان مجرمانه‌ی منتسب به متهم به صورت کامل و روشن است تا بدان آگاهی یافته و بتواند از خود دفاع کند. تفهیم اتهام به لحاظ رعایت حقوق متهم در اعلامیه‌های حقوق بشر و بند ۲ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است. در اصل ۳۲ قانون اساسی الزام به تفهیم اتهام به صورت مکتوب در صورت بازداشت متهم با ذکر ادله، لازم و ضروری شناخته شده است. قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تفهیم اتهام از سوی ضابطان دادگستری، نص صریحی وجود نداشت؛ لیکن در حال حاضر بر حسب ماده‌ی ۵ قانون مذکور متهم بایستی در اسرع وقت از موضوع و ادله‌ی انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق رسمی مذکور آگاه و بهره‌مند شود. قسمت اخیر ماده‌ی ۴۶ ق.آ.د.ک در این خصوص اشعار می‌دارد: «... چنانچه در جرایم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد ضابطان باید موضوع اتهام وارده را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند».

۱- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۸۶-۸۷.

بنابر مراتب فوق، در فرآیند دادرسی کیفری، ضابطین می‌بایست اولاً پیش از شروع به تحقیق، حقوق متهم را به وی اعلام نمایند. ثانیاً موضوع اتهام وارده را به شکل صریح به او تفهیم نمایند. در تفهیم اتهام بایستی اتهام افراد با دلایل به ایشان تفهیم شود و لذا بیان کلی اتهام یا صرف نوشتن در صورتجلسه یا طرح شفاهی اتهام کافی به مقصود نیست بلکه بایستی به صورت «کتبی» و با ذکر دلایل باشد.

۵-۳- حق داشتن وکیل

حق داشتن وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی بیان گردیده است. درخصوص استفاده از وکیل مدافع در مرجع تحقیقات مقدماتی «ماده واحدهی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به ذکر مواردی پرداخته است.^۱ در مادهی ۵ قانون آیین دادرسی کیفری حق دسترسی به وکیل به عنوان یکی از حقوق بنیادین متهم مورد اشاره واقع شده است و در مادهی ۴۸ قانون مذکور در بیان این حق اشعار می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرارگرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.^۲ لازم به ذکر است که ملاقات وکیل با رعایت شرایط مذکور خدشه‌ای به اصل غیرترافی بودن تحقیقات مقدماتی وارد نمی‌کند. در مرحلهی تحقیقات مقدماتی نیز متهم می‌تواند یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. براساس مادهی ۱۹۰ قانون مرقوم، حق داشتن وکیل پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم می‌شود. اهمیت این حق تا بدان جا می‌باشد که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود. بدین ترتیب حق داشتن وکیل مدافع در محاکم به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی قلمداد می‌گردد و تمامی شهروندان حق دارند که وکیل مدافع خویش را به صورت آزادانه انتخاب و در تمامی مراحل از آن بهره‌مند شوند و در صورتی که توان یا

۱- در ماده واحدهی مذکور (ماده ۳) فقط به حق داشتن وکیل مدافع در «دادسرا و دادگاه» اشاره شده است.

۲- جرایم سازمان‌یافته، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و جرایم موضوع مادهی ۳۰۲ قانون آ.د.ک، استثنای شده است (تبصره ماده ۴۷ق.آ.د.ک).

امکان بهره‌مندی از این حق را نداشته باشند بایستی امکان گرفتن وکیل برای شهروندان فراهم شود؛ البته در طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری که اکنون در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات درجه‌ی هشت و درجه‌ی سه است.

۶-۳- منع بازداشت متهم بیش از ۲۴ ساعت

براساس ماده واحده‌ی «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود. براساس اصل ۳۲ قانون اساسی، پس از تفهیم موضوع اتهام، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی بایستی به مرجع قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. بنابراین ضابطان دادگستری حق ندارند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند حتی اگر به دستور مقام قضائی باشد. در این صورت نگه‌داشتن وی بازداشت غیرقانونی خواهد بود. در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری بر این موضوع تأکید و توجه شده است. در این خصوص قسمت اخیر ماده‌ی ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد: «... در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند»^۱. با امعان نظر به این قاعده و اصل کلی که اگر کسی مکلف به جبران خسارت دیگری است در برابر او مسؤولیت داشته و باید پاسخ‌گو باشد.^۲ لذا مستنداً به ماده‌ی ۲۵۵ قانون مرقوم، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شوند و از سوی

۱- ثبت تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن در دفتر مخصوص (ماده ۵۳)؛ تعیین تکلیف پرونده‌ی جلب شده در ایام متوالی توسط قاضی کشیک (ماده ۱۸۶)؛ تعیین تکلیف در خصوص پرونده‌ی متهم بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت (ماده ۱۸۹).

۲- مسؤولیت به مسؤولیت اخلاقی، قانونی، قراردادی، خارج از قرارداد، مدنی و جزایی تقسیم می‌شود. (الهی منش، محمدرضا؛ حقوق کیفری و تخلفات پزشکی، چاپ سوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شده باشد می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.^۱

۷-۳- سن و شخصیت مرتکب

بیشتر قوانین موضوعه جنبه‌ی حمایتی از زنان و کودکان دارند و مقنن سعی دارد با وضع قوانین مختلف ضمن هم‌سو شدن با نظام‌های حقوقی جهان، با وضع قوانین حمایتی به حمایت از این اشخاص بپردازد.^۲ در همین راستا مقنن برای اولین بار در ماده‌ی ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده‌ی زن انجام شود». در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲۸۵ نیز آمده است: «در جرایم مشهود هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد ضابطان دادگستری مکلف‌اند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند لکن اجازه‌ی تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی موظف‌اند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند».^۳ انجام تحقیقات مقدماتی در جرایم مشهود توسط ضابطین زن در صورتی که مرتکب، طفل یا نوجوان باشد اقدام تأسیسی نوینی از سوی مقنن می‌باشد و به نظر می‌رسد با توجه به جنبه‌ی حمایتی بودن ماده‌ی ۴۲ قانون مرقوم، تحقیقات از افراد نابالغ پسر نیز توسط ضابط زن صورت پذیرد.

ژوئیه‌سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- ن.ک: مواد ۲۵۶، ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲- با مراجعه به قوانین موضوعه در خصوص حمایت از اطفال و نوجوانان به وضوح این موضوع قابل مشاهده است. به عنوان نمونه ر.ک به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱/۱/۹، قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون قاچاق انسان، قانون جرایم رایانه‌ای و... .

۳- برخی از اساتید مبرز حقوق در تعارض بین ماده‌ی ۴۲ ق.آ.د.ک با تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۸۵ قانون مرقوم می‌نویسند: اقدام به بازجویی و تحقیق از افراد «نابالغ» توسط «ضابطان» آموزش‌دیده‌ی زن، هرچند مفید ولی در تعارض با برخی دیگر از مواد همین قانون است زیرا به حکم تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۸۵ به‌طور کلی در مورد تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال که نابالغان نیز جزء آنانند وظایف ضابطان در جریان تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود. حتی در جرایم مشهود نیز تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲۸۵ اجازه‌ی تحقیقات از آنها را از ضابطان دادگستری سلب نموده است. (خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهردانش، مهر ۱۳۹۳، صص ۵۴-۵۵).

۸-۳- حق اطلاع خانواده‌ی متهم از دستگیری وی

این حق اولین بار در بند ۵ ماده واحده‌ی «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» ذکر شده و مشعر بر این است که: «اصل منع و دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است ... و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند». مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری نیز هم‌سو و هم‌نوا با ماده واحده‌ی مذکور در ماده‌ی ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله‌ی تلفن یا هر وسیله‌ی ممکن افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفاند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند. قسمت اخیر ماده‌ی ۴۹ قانون مرقوم نیز پاسخ‌گویی به بستگان (والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر متهم) را درباره‌ی تحت نظر قرار گرفتن، ضروری دانسته است.

۹-۳- عدم أخذ تأمین

یکی دیگر از مصادیق رعایت حقوق شهروندی این است که اخذ تأمین باید به وسیله‌ی مقام قضایی انجام گیرد نه ضابطین دادگستری و اخذ تأمین به وسیله‌ی ضابطین دادگستری منافی حقوق شهروندی است. این نکته در ماده‌ی ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق ذکر شده بود. در حال حاضر بر اساس ماده‌ی ۴۱ آمده است: «ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند».

۱۰-۳- منع اغفال، ضرب و شکنجه‌ی متهم

برابر بند ۹ از ماده واحده‌ی «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، هرگونه شکنجه‌ی متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.^۱ در مواد ۶ و ۷ قانون مرقوم نیز از هرگونه اقدامی که به نحوی ایدای افراد به شمار آید نظیر بستن چشم،

۱- ن.ک: ماده‌ی ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی و لایحه‌ی منشور حقوق شهروندی در ایران.

تحقیر و یا پوشاندن سر، نهی شده است. در قرارداد منع شکنجه مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، شکنجه تعریف شده است و در ماده‌ی ۷ میثاق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۱۵ اعلامیه‌ی حقوق بشر، بر عدم توسل به زور در اخذ اقرار اذعان شده است. قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار داشته است: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به سؤالات و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد».

در ماده‌ی ۵۳ نیز ضابطان دادگستری را مکلف نموده تا علاوه بر اظهارات شخص تحت نظر، علّت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن ... را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. مضافاً در راستای حمایت هر چه بهتر از حقوق شهروندی و جلوگیری از سوء استفاده‌ی احتمالی، در تبصره‌ی ماده‌ی ۵۳ مقرر شده است که «اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضا نباشد».

۱۱-۳- رعایت حقوق بزهدیده

در فرآیند دادرسی علاوه بر حفظ و رعایت حقوق متهم، بزهدیده نیز دارای حقوقی است که بایستی رعایت شود و حق هیچ یک (متهم و بزهدیده) بر دیگری رجحان ندارد و از حقوق مساوی و یکسان برخوردارند. براساس ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی کیفری متهم، بزهدیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

برخی از حقوقی که مختص بزهدیده است و بایستی رعایت گردد به شرح ذیل است:

الف) قبول شکایت کتبی یا شفاهی توسط ضابطین دادگستری و دادستان.

ب) آگاه‌سازی بزهدیده مبنی بر حق وی نسبت به درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی مانند آگاه‌سازی از کمک

سازمان‌های مردم‌نهاد برای بزهدیده‌ی جرایم موضوع ماده‌ی ۶۶ قانون مذکور.

پ) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، محل اقامت یا شماره‌ی تلفن و ... توسط ضابطان دادگستری و مقام قضایی.

ت) انجام اقدامات احتیاطی جهت حمایت از بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان.

۴- رعایت حقوق شهروندی توسط مقام قضایی

مبرهن است که از مقامات قضایی نسبت به مراجع انتظامی انتظار بیشتری در حفظ حقوق شهروندی و رعایت آن می‌رود؛ زیرا در قرآن مجید و کتب روایی صفات قاضی به گونه‌ای بیان شده است که دلالت بر این مطلب می‌نماید.^۱ در جهت رعایت هرچه بهتر حقوق شهروندی، رئیس قوه‌ی قضائیه در راستای اعمال ماده‌ی ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، هیأتی را به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین و رعایت و احترام به حقوق شهروندی تعیین نموده است. لذا بایستی متهم در کمال آرامش و بدون داشتن غل و زنجیر و دست‌بند نزد مقام قضایی حاضر شده و مورد بازجویی قرار گیرد. مطابق ماده‌ی ۲ ق.آ.د.ک باید در تمام مراحل دادرسی کیفری، حقوق شهروندی رعایت گردد. حقوق طرفین دعوا تضمین شود و قواعد آن نسبت به اشخاصی که به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به صورت یکسان اعمال شود. لذا کرامت انسانی ایجاب می‌کند که از طرح سؤالات خارج از موضوع اتهام و یا مربوط به مسائل اخلاقی و خانوادگی متهم و یا بیان مطالب و یا موضوعاتی که در جهت ترساندن، تحقیر و تخریب شخصیت وی باشد به جد خودداری گردد. حال در ادامه به بیان برخی از حقوق شهروندی که باید توسط مقامات قضایی رعایت شود پرداخته می‌شود:

۱-۴- احضار و جلب متهم

پیش از احضار یا جلب افراد، بایستی تحقیقات کامل در این خصوص صورت پذیرد و در صورت وجود دلایل کافی موجد این امر، اقدام گردد. براساس ماده‌ی ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم

۱- امیرالمومنین علیه السلام صفات قاضی را چنین توصیف می‌فرماید: ۱- دانشمند و با تقوا؛ ۲- پرحوصله و خونسرد؛ ۳- آراسته به قوت قلب و قوت بیان؛ ۴- عدم فراموشی؛ ۵- آزمند و طمع‌کار نباشد؛ ۶- دستخوش احساسات و عواطف نباشد؛ ۷- دقیق و دوراندیش باشد؛ ۸- حلیم و بردبار باشد؛ ۹- ساده لوح و زودباور نباشد؛ ۱۰- خودپسند و مغرور نباشد؛ ۱۱- در احقاق حق استوار و قاطع باشد؛ ۱۲- در کشف حقایق تعجیل نکند.

احضار و یا جلب کند. البته قانون‌گذار برای احضار یا جلب متهم در قانون مذکور فعلی، شرایطی را لازم دانسته است که به بیان آنها می‌پردازیم:

(الف) احضار متهم به وسیله‌ی احضارنامه انجام گرفته و مشخصات وی و نتیجه‌ی عدم حضور در آن قید می‌گردد و ابلاغ احضارنامه توسط مأموران ابلاغ و بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه‌ی کارت شناسایی انجام می‌گیرد و مأمور مفاد احضاریه را به متهم ابلاغ و فاصله‌ی میان ابلاغ و زمان حضور کمتر از ۵ روز نخواهد بود.

(ب) جلب متهم در روز توسط برگ جلب که مشخصات متهم دقیقاً در آن قید شده به متهم ابلاغ و از وی دعوت می‌گردد که نزد مقام قضایی حاضر شود و پس از جلب، ضابطین مکلف هستند متهم جلب شده را نزد مقام قضایی آورند.

(پ) تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده است از قبیل شاهد یا مطلع، ممنوع است و چنانچه در مظان اتهام باشند در وقت دیگری به عنوان متهم احضار می‌گردند.

۲-۴- رعایت اصل بی‌طرفی

لازمه‌ی دادرسی عادلانه و منصفانه، استقلال در اتخاذ تصمیم و صدور رأی است و اگر این استقلال ناقص بوده و کامل نباشد اصل بی‌طرفی در دادرسی که به عنوان یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود بی‌مفهوم خواهد بود. برابر اصل ۱۹ قانون اساسی، مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند و اصل ۳۴ قانون مزبور نیز دادخواهی را حق مسلم هر فردی دانسته است. مضافاً در ماده‌ی ۱۴ «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» به رعایت اصل بی‌طرفی تأکید و توجه شده است. مقنن در خصوص بیان اصل بی‌طرفی در ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی کیفری چنین اشعار داشته است: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود جلوگیری کنند. همچنین در ماده‌ی ۹۳ قانون مزبور در بیان لزوم بی‌طرفی و استقلال بازپرس آمده است: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد». بنابراین رعایت اصل بی‌طرفی در مقابل اصحاب دعوا و

استقلال مقام قضایی سبب می‌گردد که حقوق شهروندی به نحو بهتری رعایت گردد.

۳-۴- رعایت اصول کلی در رسیدگی مقدماتی

به لحاظ اینکه نظام دادرسی ایران از نظام مختلط در رسیدگی پیروی می‌نماید بدین معنی که در دادسرا از ویژگی‌های نظام «تفتیشی» و در دادگاه از نظام «اتهامی» الهام گرفته است. لذا تحقیقات مقدماتی در دادسرا دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که رعایت آن از سوی مقام قضایی برای تمامی کسانی که در فرآیند دادرسی دخالت دارند الزامی است و «کتبی بودن» یکی از آنهاست. این موضوع در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره واقع شده است تا حقی از متهم تضييع نشود. بدین ترتیب بایستی تمام پرسش‌های قاضی، پاسخ شاکي، متهم، گواه ... بدون تغییر و تحریف نوشته شود و حتی سکوت متهم در صورت مجلس قید گردد.^۱ «سری یا محرمانه بودن» یکی دیگر از این ویژگی‌ها می‌باشد. این موضوع فقط مختص رعایت آن از سوی مقامات قضایی نیست بلکه توسط ضابطین نیز بایستی رعایت گردد. مقنن در خصوص محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی اشعار داشته است: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد... کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف به مجازات افشای اسرار شخصی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند».^۲ بر حسب ماده‌ی ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیق از شاکي و متهم، غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی الامکان به صورت توافقی رسیدگی می‌شود و همچنین موضوع ماده‌ی ۱۹۸ قانون مزبور که مبین غیرتوافقی بودن تحقیقات مقدماتی می‌باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز تحقیقات مقدماتی این است که رسیدگی بایستی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن و یا سریع انجام پذیرد و از هر اقدامی که باعث اهمال در فرآیند دادرسی یا طولانی شدن آن شود باید احتراز شود. لذا رسیدگی به اتهامات متهم یا متهمان بایستی در مهلت معقول صورت پذیرد و

۱- ملاحظه‌ی مفاد مواد مختلف مبین کتبی بودن و لزوم کتبی بودن تحقیقات مقدماتی می‌باشد. ن.ک:

مواد ۵۹، ۶۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵ و ۱۹۷.

۲- ن.ک: مواد ۱۹۱، ۱۹۰ و ۱۰۰ قانون مرقوم.

تعطیلات مانع انجام تحقیق نشود و این موضوع جزء تکالیف مقام قضایی می‌باشد (موضوع مواد ۳ و ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری). بدیهی است که تحقیقات مقدماتی، پایه و اساس دادرسی کیفری را شکل می‌دهد و هرگونه اهمال و سهل‌انگاری در انجام تحقیق یا عدم رعایت اصول کلی حاکم بر آن منجر به تضییع حقوق شهروندان می‌شود.

۴-۴- حق سکوت

امروزه اعلام حق سکوت به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کشورهای متمدنی جهان به عنوان تکلیفی نه فقط برای قاضی تحقیق بلکه برای پلیس و از همان آغاز تحت نظر قرار گرفتن منظور شده است.^۱ حق سکوت در اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری (بند ۱ از ماده‌ی ۵۵) و در بند ۳ ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از حقوق اساسی متهم مقرر شده است؛ زیرا دفاع، به‌عنوان یک حق شناخته می‌شود و هر حقی قابل اسقاط است و لذا متهم می‌تواند سکوت اختیار و از دادن پاسخ امتناع نماید. به همین سبب در ماده‌ی ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود. سکوت، حق متهم می‌باشد. این حق به همراه سایر حقوق به صورت مکتوب به مشارالیه اعلام و در اختیار وی قرار می‌گیرد.

۴-۵- اخذ تأمین متناسب

با توجه به اینکه قرارهای تأمین کیفری یکی از ابزارهای محدودکننده‌ی آزادی و رفت و آمد به حساب می‌آید مقام قضایی بایستی در اخذ آن دقت لازم را مبذول دارد و در هر صورت قواعد مزبور بایستی متناسب با شخصیت مرتکب، نوع رفتار ارتكابی و ... باشد. در قانون سابق تعداد قرارهای تأمین پنج نوع و در حال حاضر به ده نوع قرار افزایش یافته است و برای رعایت حقوق متهم و بزه‌دیده، تمهیداتی اندیشیده شده است؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) در جرایم غیرعمدی در صورتی که حقوق بزه‌دیده به تشخیص مقام قضایی به طریقی

۱- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، همان، ص ۸.

تأمین شود صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

ب) برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود.

پ) برابری مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه با خسارت وارده به بزه‌دیده و نیز در صورت معرفی وثیقه به جای کفالت از سوی متهم، قبول آن از سوی مقام قضایی و همچنین پذیرش کفالت اشخاص حقوقی.

ت) فراهم کردن تمهیدات لازم جهت سپردن قرار توسط متهم.

آنچه در میان قرارهای تأمین می‌تواند ناقض حقوق شهروندی باشد و آزادی رفت و آمد متهم را محدود نماید قرار بازداشت موقت است؛ زیرا بازداشت موقت اقدامی بسیار شدید علیه آزادی بوده و مخالف فرض برائت یا بی‌گناهی است. در قرار مزبور متهم معادل یک مجازات جدید را تحمل می‌نماید در حالی که هنوز محاکمه نشده است و با بسیاری از نهادهای سودمند کیفری و تساوی سلاح‌ها مغایرت دارد. مضافاً پیامدهای جرم‌شناختی مانند برچسب‌زنی را نیز داراست.^۱ بنابر مراتب فوق در راستای اصل آزادی افراد و رعایت حقوق شهروندی، مقام قضایی بایستی در حدود و ثغور قانون به بازداشت موقت متوسل گردد. روشن است که رعایت حقوق شهروندی در فرآیند عدالت کیفری فقط به موارد ذکر شده منتهی نمی‌باشد بلکه مواردی از قبیل عدم اجرای مجازات به صورت علنی مگر در موارد الزام قانونی، رعایت حق اعتراض اصحاب دعوا در مراحل رسیدگی، منع محاکمه‌ی مجدد به اتهام واحد، تعلیق اجرای مجازات در موارد مصرحه‌ی قانونی و عدم نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان را نیز برشمرد.

۱- الهی منش، محمدرضا؛ قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه، چاپ دوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۱، ص ۶۴.

نتیجه‌گیری

ایجاد توازن و تعادل بین حقوق شهروندان و نظم و امنیت جامعه، هدف آیین دادرسی کیفری می‌باشد. رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری صرف‌نظر از جنسیت، ثروت، قومیت، طبقه‌ی اجتماعی، نژاد، زبان و رنگ پوست از اصول و پایه‌های اساسی دادرسی منصفانه و عادلانه قلمداد می‌شود. تمامی کشورها در تلاش هستند که در تصویب قوانین خود به آن توجه نموده و زمینه‌ی رشد و ارتقای شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان خویش را ضمن هماهنگ شدن با جامعه‌ی بین‌المللی مهیا نمایند. در آموزه‌های اسلام در آیات مختلف و متعدد به لزوم رعایت کرامت انسانی و همنوع و منع هرگونه تبعیض و نابرابری تأکید شده است. در راستای اجرای عدالت و نیز رعایت حقوق شهروندان، قانون‌گذار به دو نهاد قضایی و انتظامی به علت تعامل و ارتباط بیشتر با آحاد مردم و امکان نقض و سوء استفاده از حقوق شهروندی و تعرض به حریم خصوصی، بیشتر از هر نهادی توجه داشته است. مرجع انتظامی پس از کشف جرم می‌بایست اقداماتی را در جهت حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار یا اختفای متهم یا متهمین انجام دهد و هرگونه اعمال و اقدام خودسرانه سبب نقض حقوق شهروندی اشخاص خواهد بود. آموزش نیروی انتظامی به دلایل فوق از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در فرآیند رسیدگی و دادرسی، بزه‌دیده، متهم، مطلع و تمامی شهروندان، واجد یک سری حقوقی هستند که توسط مراجع قضایی بایستی رعایت گردد؛ از جمله حق سکوت، حق داشتن وکیل و... . عدم رعایت حقوق مزبور، گاه منجر به بی‌اعتباری تحقیقات و یا مواجهه با ضمانت اجرای کیفری می‌گردد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف به حفظ آزادی‌های مشروع و احترام به حقوق شهروندان تأکید و درحین وضع قوانین شکلی و ماهوی به ذکر این حقوق پرداخته شده است و گاه برای آن ضمانت اجرا معین نموده است. به هر تقدیر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تدوین‌گران آن تلاش نمودند که حقوق شهروندی به نحو بهتری تأمین گردد لکن به دلیل ناکافی بودن مقررات و قواعد آن، مقنن برآن شد که در قانون خاصی برای حفظ امنیت شهروندان در سال ۱۳۸۳ ماده واحده‌ای به عنوان «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب برساند. متعاقب آن لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی در سال ۱۳۸۴ برای حفظ حریم خصوصی اشخاص تقدیم مجلس گردید اما متأسفانه تاکنون به

تصویب نرسیده است. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ نیز برخی از نواقص قانون قبلی در خصوص حفظ حقوق شهروندان برطرف شده است. در حال حاضر نظر به اهمیت موضوع، از آذر ماه ۱۳۹۲ منشور حقوق شهروندی در حال تدوین و بررسی می‌باشد و هرچند هنوز به صورت لایحه است. رعایت حقوق شهروندی در مراحل مختلف باتصویب قانون آیین دادرسی کیفری در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۴ تضمین و دارای ضمانت اجرا شده است؛ چنانکه اختصاص دادن فصلی به عنوان اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری و ذکر الزام به رعایت حقوق شهروندی در ماده‌ی ۷ مبین این نکته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود؛ *آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)*، جلد چهارم، چاپ سوم، انتشارات اشراق، ۱۳۸۱.
- ۲- آشوری، محمد؛ *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۳- الهی‌منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن؛ *حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرائم علیه اشخاص)*، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- ۴- الهی‌منش، محمدرضا؛ *حقوق کیفری و تخلفات پزشکی*، چاپ سوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- ۵- الهی‌منش، محمدرضا؛ *قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه*، چاپ دوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.
- ۶- پلیو، دوبر؛ *شهروندی و دولت*، ترجمه: ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- جنیدی، فریدون؛ *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان اسلام*، انتشارات نشر، ۱۳۷۸.
- ۸- خالقی، علی؛ *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهردانش، مهر ۱۳۹۳.
- ۹- میلر، دیوید؛ *حقوق بشر و شهروند مقید به مرز*، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۲۳، بهار ۱۳۸۳.
- ۱۰- یوسف‌وند، محمود؛ *حقوق شهروند متعهد در دولت اسلامی*، مجله‌ی پیام آموزش، شماره‌ی ۲۶، ۱۳۸۸.

The Crystallization of Civil Rights in the Criminal Justice Process

By: Mohammad Reza Elahi Manesh- Mohsen Moradi Oujqaz

Abstract:

The civil Right in the process of Criminal Justice is known as a fundamental and unavoidable principle, for this reason, all people who are involved in the process of criminal justice, expect a fair and just trial in comparison with other citizens who own the same rights and their rights have to be properly secured and not to have any permission over the violation of their civil rights, privacy and legitimate freedoms. For this purpose, in addition to the Constitution, the legislator has emphasized a need for observing the Civil Rights and defined an enforcement guarantee for its violation. In the meantime, the role of procedural laws is of great importance in the expression of Civil Rights and observation of social and personal rights of people and also its conflict and contrast with the mentioned right. Our Criminal Procedure Codes, following the Islamic teachings and focusing on the article related to the respecting of the legitimate freedoms and maintaining the Civil Rights, is in line with International conventions and documents that have been established in this regard; so, it can be safely said that this law can be mentioned among the advanced rules of criminal procedure considered in the process of civil rights. This paper by reviewing the ordinary and fundamental rights in Iran's Laws by using the library research method and in addition to mentioning the Universal Declaration of Human Rights and International Covenant on Civil and Political Rights, studies and emphasizes the Criminal Procedure Code.

Keywords: Civil rights, trial procedure, the accused, the victim.